

مقایسه سیمای انسان در کتابهای دبیرستانی ایالات متحده امریکا و جمهوری اسلامی ایران

بهرام محسن‌پور ■

اسنادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم تهران □ □

چکیده

هدف مقاله حاضر آن است که با استفاده از روش تحلیل محتوا، سیمای انسان - پیدایش انسان، ابعاد وجودی او و نیز روش مطالعه رفتار آدمی - را در نمونه‌ای از کتابهای دبیرستانی ایالات متحده امریکا و ایران مقایسه کند.

نتایج این مطالعه حاکی از آن است که در برخی از کتابهای علوم و زیست‌شناسی دبیرستانی امریکا، ادعا می‌شود که انسان محصول تکامل تدریجی است و از نسل جاندارانی چون میمون‌هاست. در حالی که در کتابهای بینش اسلامی جمهوری اسلامی ایران، آمده است که خداوند انسان را آفریده و او را جانشین خود در روی زمین قرار داده است.

در خصوص ابعاد وجودی انسان برخی از کتابهای زیست‌شناسی امریکا، انسان را موجودی صرفاً بیولوژیکی و فاقد روح تلقی می‌کنند، لیکن کتابهای بینش اسلامی دبیرستانی ایران، آدمی را به عنوان موجودی مرکب از روح و ماده که از روح خداوند در کالبد او دمیده شده است، معرفی می‌کنند.

نظرگاه برخی از کتابهای روانشناسی امریکا راجع به مطالعه رفتار این است که می‌توان انسان را به عنوان موجودی بیولوژیکی مورد مطالعه قرار داد، داده‌هایی قابل پیش‌بینی در خصوص رفتار او گردآوری و آنها را تحلیل و رفتارشان را تبیین نمود. در صورتی که بر طبق کتابهای زیست‌شناسی و روانشناسی ایران، رفتار آدمی پدیده‌ای است پیچیده که نمی‌توان آن را صرفاً به کمک روش تجربی مورد مطالعه قرار داد. بعلاوه، در جریان این مطالعات جنبه‌های روحی او را نمی‌توان نفی کرد و نادیده گرفت.

این مقاله همچنین با ذکر شواهدی تجربی، تأثیر محتوای برنامه‌ها و کتابهای درسی را



بر نگرش و طرز تفکر دانش‌آموزان تبیین می‌کند و در پایان به دو رویکردی که می‌توانند در خصوص معرفی سیمای انسان در کتابهای درسی دبیرستانی کشور مورد استفاده برنامه‌ریزان و مؤلفان قرار گیرند، اشاراتی می‌نماید.

کلید واژگان: تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش تطبیقی، کتابهای درسی دبیرستانی، تأثیر برنامه درسی، ابعاد وجودی انسان

۱. مقدمه

کتابهای درسی، نقشی اساسی در شکل دادن نگرشها و پروراندن عواطف دانش‌آموزان ایفا می‌کنند و موجب انتقال دانشها و مهارتهای گوناگون به آنها می‌شوند. در نتیجه افق دید آنان را نسبت به محیط اجتماعی و محیط طبیعی گسترش می‌دهند و به سوی جهان بینیهای خاص رهنمون می‌شوند. به سخن دیگر، دانش‌آموزان از طریق موضوعات درسی گوناگونی مانند: علوم تجربی، علوم اجتماعی، روانشناسی، تعلیمات دینی و... بتدریج نسبت به انسان و جهان شناخت پیدا می‌کنند و به نظرگاهی کلی در خصوص انسان و طبیعت دست می‌یابند.

بر این اساس، نظام تعلیم و تربیت هر جامعه‌ای متناسب با اهداف غایی و فلسفه مورد نظرش، تصویری از سیمای انسان در کتابهای درسی ترسیم می‌کند که این تصویر بعدها در جهان‌بینی دانش‌آموزان و نحوه درک آنها از ماهیت وجودی انسان، تأثیری بسزا خواهد گذاشت و به زندگی آنان معنایی خاص خواهد بخشید.

این نوشته در پی آن است که با استناد به مطالب و مندرجات کتابهای درسی دوره دبیرستان - که طی سالهای اخیر در دوره متوسطه امریکا و ایران تدریس می‌شوند - تصویرهایی از سیمای انسان در کتابهای درسی نظام تعلیم و تربیت دو کشور مذکور به دست بدهد تا اگر در این دو نظام آموزشی، در خصوص انسان‌شناسی برداشتهای متفاوتی وجود دارد، اهم این تفاوتها معلوم می‌گردد و در نهایت تأثیر این تفاوت برداشتها از ماهیت و حقیقت انسان بر جهان‌بینی دانش‌آموزان نشان داده شود. بنابراین، در نوشته حاضر براساس روش تحلیل محتوا، سه مسأله: پیدایش انسان، ابعاد وجودی انسان و روش شناخت رفتار آدمی، آنطور که در برخی از کتابهای درسی امریکا و ایران آمده است، به عنوان ابعادی از انسان‌شناسی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۲. انتخاب کتابهای درسی برای مطالعه حاضر

پیش از آنکه به مقوله انتخاب کتابهای مورد نظر این مطالعه بپردازیم، لازم است به مسأله تنوع کتابهای درسی در ایالات متحده امریکا اشاره کنیم تا ابهاماتی که در خصوص تنوع کتابهای درسی امریکا وجود دارد، برطرف گردد. می‌دانیم که کتابهای درسی دوره متوسطه در ایالات متحده امریکا، متنوعند یعنی برای دروسی مانند ریاضیات، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و... در هر پایه تحصیلی و در

ایالت‌های مختلف کتابهای گوناگونی در نظر گرفته می‌شود. از این رو بنگاههای انتشاراتی مختلف با همکاری برنامه‌ریزان درسی و مؤلفان سرشناس، اقدام به تهیه و انتشار کتابهای درسی می‌کنند. اما با وجود چنین تنوعی، دبستانها و دبیرستانهای همه ایالتها ملزم به انتخاب و آموزش آن نوع کتابها و محتوایی هستند که به برنامه درسی استاندارد ملی^۱ در آمریکا نزدیک باشند. ضرورت تبعیت از برنامه درسی استاندارد ملی هم برای مؤلفان و هم برای معلمان دلایل گوناگونی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود. اول آنکه اگر چنین برنامه‌ای استاندارد وجود نداشته باشد، گروه معدودی از دانش‌آموزان آمریکایی نمی‌توانند به عنوان نمونه جامعه آماری دانش‌آموزان ایالات متحده «در مطالعات بین‌المللی علوم و ریاضیات»^۲ که «انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی»^۳ به صورت ادواری برگزار می‌کند، شرکت کنند. دوم آنکه خانواده‌های آمریکایی متحرک هستند و نقل مکان از یک ایالت به ایالت‌های دیگر در میان آنها بسیار متداول است. بنابراین اگر در جریان این نقل مکانها فرزندانشان با برنامه‌های درسی بسیار متنوع و متفاوت مواجه شوند، ادامه تحصیل برای چنین دانش‌آموزانی بسیار دشوار خواهد بود. سوم آنکه فارغ‌التحصیلان دوره دبیرستان که به دانشگاه راه می‌یابند، اگر در دوره متوسطه مواد و مطالب درسی مشترکی نگذرانده باشند، ادامه تحصیل آنها در دانشگاه با مشکل مواجه خواهد شد. بنابراین، تنوع کتابهای درسی، به مشترک بودن مواد و مطالب درسی لطمه‌ای وارد نمی‌سازد و موجب اختلاف شدید برنامه‌های درسی در آمریکا نمی‌گردد.

بر این اساس، هنگامی که نگارنده چند جلد از کتابهای زیست‌شناسی دوره متوسطه آمریکا را که ناشران مختلف تهیه کرده بودند مرور کرد و از وجود مطالب مشترک درباره مسائل مورد نظر این تحقیق در کتابهای مذکور، اطمینان حاصل نمود، آنگاه به کار تحلیل محتوا پرداخت.

در خصوص انتخاب کتابهایی برای مطالعه حاضر، باید یادآور شد که چون سه مقوله پیدایش انسان، ابعاد وجودی انسان و نیز روش شناخت و مطالعه رفتار آدمی مطرح نظر این مطالعه بود، کتابهایی برگزیده شد که سه مقوله مذکور را مورد بحث قرار داده‌اند. پس از بررسی لازم مشخص گردید که دو مقوله پیدایش انسان و ابعاد وجودی آدمی در نظام آموزشی آمریکا، بیشتر در کتابهای زیست‌شناسی مطرح می‌شود. بعلاوه، این دو مبحث در کتابهای دبیرستانی عمدتاً از جنبه زیستی مورد بررسی قرار می‌گیرند. از این رو، نگارنده کتابهای زیست‌شناسی را برای مقصود خود انتخاب نمود. به همین قیاس، چون مباحث مربوط به مطالعه رفتار در کتاب روانشناسی مطرح شده است، کتاب روانشناسی را در ارتباط با مقوله سوم برگزید.

در خصوص انتخاب کتابهای درسی کشورمان، باید یادآور شد که چون در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، مباحث مربوط به خلقت انسان و ماهیت حیات آدمی مباحثی فلسفی‌اند، لذا از موضع و منظر روشهای عقلی مورد بحث قرار گرفته‌اند. کتابهای زیست‌شناسی دبیرستانهای ایران، چندان از این دیدگاه به موضوعات مذکور نپرداخته‌اند و بیشتر کوشش خود را

1. National Standard Curriculum

2. International Mathematics and Sciences Studies

3. International Association for the Evaluation of Educational Achievement (IEA)



متوجه بررسی و مطالعه جنبه‌های مادی و جسمانی ارگانیزم انسانی نموده‌اند. از این رو، مباحث خلقت و ماهیت انسان در کتابهای بینش اسلامی طرح شده‌اند. بر این اساس، نگارنده برای معرفی نظرگاههای مؤلفان کتابهای درسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص دو مبحث اخیر، بیشتر به مندرجات کتابهای بینش اسلامی استناد نموده و برای معرفی دیدگاههای مؤلفان ایرانی در خصوص مقوله سوم یعنی شناخت رفتار، به کتاب روانشناسی مراجعه کرده است.

نکته دیگری که باید در ارتباط با انتخاب کتابهای درسی یادآور شد این است که استنادات مطالعه حاضر، به تعداد اندکی کتاب محدود می‌شود. این محدودیت از آنجا ناشی می‌گردد که نگارنده به علت در اختیار نداشتن منابع کافی، نتوانست به طیف وسیعی از کتابهای درسی امریکا و مرتبط با موضوع مورد تحقیق، مراجعه کند. بنابراین، چون چنین محدودیتی تعمیم‌پذیری نتایج این مطالعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نگارنده ناگزیر است که در تعمیم‌دهی نتایج مطالعه خود، جانب احتیاط را رعایت کند.

۳. پیدایش انسان در کتابهای درسی امریکا

در کتابهای زیست‌شناسی امریکا، پیدایش انسان براساس نظریه تکامل تدریجی جانداران تبیین و توجیه شده است. نظریه تکامل نخست به زبانی ساده در کتابهای علوم دوره ابتدایی مطرح گردیده است (۱۲). سپس با شرح و تفصیل بیشتر در کتابهای زیست‌شناسی دوره دبیرستان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. نظریه تکاملی آنگونه که در کتابهای درسی مطرح شده می‌گوید: جانداران امروز، در گذشته‌ای دور از یک تک‌سلولی به وجود آمده‌اند و در حقیقت محصول تغییراتی هستند که بتدریج در جانداران امروز به وجود آمده است. به عنوان مثال، در فصل یازدهم یکی از کتابهای علوم زیستی دبیرستانهای امریکا، مبحثی با عنوان تکامل انسان^۴ آمده است که موضوع تکامل تدریجی انسان را چنین شرح می‌دهد:

«تا سال ۱۸۵۹ شواهد صریحی در خصوص تکامل انسان در دست نبود. زیست‌شناسان پیش از داروین، مدتها جانداران را براساس شباهتهایشان طبقه‌بندی می‌کردند و انسان، بوزینه‌ها و میمونها را در یک طبقه به نام پرمیماها قرار می‌دادند. تمام پرمیماها دارای ویژگیهای مشترکی بودند. داروین اظهار داشت که شباهت یک گروه از جانداران به این دلیل است که تکامل یافته از نژاد مشترکی هستند. در آن زمان شواهد اندکی این فرضیه را تأیید می‌کرد. برای آنکه دریابیم در گذشته چه اتفاقی افتاده است، باید به جستجوی سنگواره‌هایی که از اجدادمان به جای مانده است بپردازیم... تاکنون سنگواره‌های زیادی در آفریقا کشف شده است. یکی از آنها، سنگواره نوعی میمون استرالیایی است که شاید میلیونها سال پیش در آفریقا زندگی می‌کرده است. این نوع میمونها احتمالاً پل ارتباطی تکاملی بین انسان و جد غیر انسان بوده‌اند. میمون استرالیایی به جز در آرواره زیرین، دندانها و جمجمه، به انسان شبیه بوده و شاید به طور قائم راه می‌رفته است» (۱۰).

در ادامه این بحث چنین می‌خوانیم:

«دانشمندان بر این باورند که انسانها و میمونهای استرالیایی، در یک عصر و در یک محل زندگی می‌کرده‌اند. شاید برای غذا و پناهگاه با هم به رقابت می‌پرداخته‌اند و در این میان انسان پیروز شده است و میمونهای استرالیایی منقرض شده‌اند. چند وقت پیش از این اتفاق افتاده است؟ همیشه به سادگی نمی‌توان عمر لایه‌های رسوبی را تخمین زد... برخی شواهد این پیش‌بینی را ممکن می‌سازد... هفتاد میلیون سال پیش انسانی وجود نداشت، اما پرماتهای اولیه وجود داشتند. این پرماتها شبیه میمونها و بوزینه‌های امروزی نبودند. از این پرماتها سه شاخه به وجود آمد: شاخه اول میمونهای ماداسکار بودند... شاخه دوم میمونها بودند... شاخه سوم گوریلها و انسانها» [۱۱].

بحث پیدایش جانداران و خلقت انسان به صورتی که در بالا آمد، بر آن است که تبیین کند که آدمی محصول تکامل تدریجی است، یعنی اینکه از نسل جاندارانی چون میمونهاست و با آنها هم‌نژاد و هم‌خانواده است.

۴. ابعاد وجودی انسان براساس کتابهای درسی آمریکا

در کتابهای زیست‌شناسی دبیرستانهای آمریکا، نیم‌رخ دیگری از انسان تصویر و ترسیم شده و آن ماهیت و حیات اوست. انسانی که در این کتابها معرفی گردیده، موجودی است متشکل از ماده، که در اثر فعل و انفعالات شیمیایی درون سلولی و جذب مواد غذایی و تولید انرژی، قدرت زنده بودن پیدا می‌کند و به لحاظ همین فعل و انفعالات است که از موجودات بی‌جان متمایز می‌شود. در این کتابها، تبیین حیات براساس نظریه حیات‌گرایی^۵ (یعنی اعتقاد به اصالت حیات و اعتقاد به فعالیت‌های موجودات زنده در اثر یک نیروی حیاتی^۶ مثل جان و روح نارسا و غیر قابل تحقیق معرفی شده و سرانجام انسان به عنوان موجودی مطرح گردیده که ابعاد وجودی او از ماده و تحولات مادی فراتر نمی‌رود.

در کتاب زیست‌شناسی دبیرستان چنین می‌خوانیم:

«مرگ و زندگی هزاران سال است که انسان را دچار شگفتی ساخته است. تا سالهای اخیر برای پاسخگویی به این سؤالات، اطلاعات اندکی در دسترس بود. مردم همین قدر می‌دانستند که هنگامی که یک ارگانسیم می‌میرد، لاشه‌اش متلاشی می‌شود. آنچه که باقی می‌ماند، به نظر می‌رسد همان موادی باشد که در خاک وجود دارد. یک زمان ماده زنده بود زمانی دیگر مرده... تفاوت بین زنده بودن و زنده نبودن، برای مردم بزرگ به نظر می‌رسید. مردم بر این باور بودند که نیروی مرموز خاصی در موجودات زنده وجود دارد. اعتقاد به نیروی حیاتی خاص، حیات‌گرایی نام دارد. این عقیده مدت‌ها رواج داشت...». بعدها رنه دکارت فکر می‌کرد که می‌توان حیات انسان را براساس قوانینی که در مورد موجودات بی‌جان ساری و جاری است، توجیه و تبیین کرد. نظریه‌ای که می‌کوشد حیات را براساس



روش‌هایی مکانیکی و ریاضی توجیه کند، نظریه مکانیسم^۷ نام دارد. حیات‌گرایی و مکانیسم دو فرضیه متفاوتند، اولی برای زنده بودن قائل به وجود یک نیروی حیاتی است و دومی نیروی خاصی را متصور نیست. فرضیه مکانیسم یک امتیاز دارد و آن این است که این فرضیه قابل آزمودن است، یعنی دانشمندان می‌توانند به کمک آزمایش دریابند که آیا موجودات زنده، طبق همان قوانین موجودات غیر زنده عمل می‌کنند یا خیر. اما روشی وجود ندارد که حیات‌گرایی را مستقیماً مورد آزمون قرار دهد (۸/). در ادامه بحث‌های فوق و برای تبیین مسأله حیات، پس از بحث درباره ساختمان سلول و تشریح کنش و واکنش‌های درون سلولی، فعالیت‌های حیاتی انسان به عنوان یک موجود زنده، براساس فعل و انفعالات شیمیایی توجیه شده است و این موضوع به صورت زیر مطرح گردیده است:

«ما درباره شیمی موجودات زنده اطلاعات زیادی داریم. فرآیندهای زیستی را نمی‌توان بدون اطلاع از دانش شیمی تبیین کرد. می‌توان این سؤال را که «موجود زنده از چه چیز تشکیل شده است؟» برحسب آنها و خصوصیات مولکول‌هایی که از این آنها درست شده‌اند، پاسخ گفت» (۹/). براساس آنچه که از کتاب‌های درسی مذکور نقل شد، می‌توان نتیجه گرفت که انسان در این دسته از کتاب‌های درسی دبیرستانی آمریکا موجودی است متشکل از ماده محض و تظاهرات حیاتی او منبعث از فعل و انفعالات مادی است. یعنی حیات او براساس قوانین حاکم بر ماده قابل تبیین و توجیه می‌باشد.

۵. شناخت رفتار انسان براساس کتاب‌های درسی آمریکا

غریبها از دیرباز به پیروی از یک سنت دیرینه، از روش‌های عقلی برای پی بردن به ماهیت روان آدمی سود جسته و با استمداد از برهان و استدلال، سعی در تبیین روان و رفتار آدمی داشته‌اند، به طوری که این شیوه از اواخر قرن نوزدهم میلادی یکی از متداولترین روش‌های شناخت تجلیات روان-یعنی رفتار- به شمار می‌رفت، اما از زمانی که ویلهلم وونت آلمانی، نخستین آزمایشگاه روانشناسی را در سال ۱۸۷۹ در لایپزیک آلمان تأسیس کرد، استفاده از روش تجربی^۸ برای مطالعه تجلیات روان (یعنی رفتار انسان) توجه دیگر روانشناسان را به خود جلب کرد. روانشناسان رفتارگرایی امریکایی نیز با الهام از روانشناسان آلمانی، باب استفاده از شیوه‌های تجربی و روش‌های آزمایشگاهی را برای مطالعه روان و رفتار انسان در کشورشان باز کردند و برای کشف و شناخت زوایای روان و رفتار آدمی، به روش تجربی روی آوردند. به طوری که امروزه در کتاب‌های روانشناسی این کشور، از روش تجربی به عنوان یکی از روش‌های اساسی شناخت رفتار یاد می‌شود.

در یکی از کتاب‌های روانشناسی که در سال‌های اخیر در دبیرستان‌های کشور آمریکا تدریس می‌شود و متأثر از مکتب رفتارگرایی است، ضمن معرفی روش‌های گوناگون مطالعه رفتار از قبیل: مشاهده، مصاحبه، و استفاده از آزمون، از روش تجربی نیز به عنوان یکی از شیوه‌های تحقیق درباره رفتار انسان یاد شده و در خصوص کاربرد این روش برای مطالعه رفتار، مطالبی ذکر شده که ما خلاصه این

مطالب را در اینجا نقل می‌کنیم:

«روش تجربی بهتر از دیگر روشهای مطالعه است، زیرا در روش تجربی، شرایط بهتر کنترل می‌شود و اندازه‌گیری صحیح‌تر صورت می‌گیرد. هر تجربه‌ای معمولاً با یک فرضیه آغاز می‌شود. هر فرضیه پاسخ یا پیشنهادی است احتمالی که باید آزموده شود. در یک تجربه، حداقل باید دو متغیر^۹ وجود داشته باشد که از لحاظ کمی و کیفی قابل تغییرند. در هر آزمایش، عامل اثرگذار قابل آزمودن است. این عامل اثرگذار یا متغیر مستقل، توسط آزمایشگر قابل دستکاری و کنترل است. این متغیر مستقل، در جریان آزمایش به صورت محرک^{۱۰} روی ارگانیسم عمل می‌کند. یک محرک معمولاً یک شیء، یک واقعه یا یک موقعیت است که موجب^{۱۱} پاسخ ارگانیسم می‌شود... متغیر وابسته در یک آزمایش، معمولاً پاسخ ارگانیسم است که محرک موجب ایجاد آن می‌شود. روش تجربی در روانشناسی نوین، روشی اساسی است و بسیاری از اطلاعاتی که در این کتاب ارائه می‌شود، مبتنی بر شواهد تجربی است» [۷].

همان طور که از مفاد کتاب مذکور برمی‌آید، می‌توان استنباط کرد دانش‌آموزانی که در معرض چنین محتوایی قرار می‌گیرند، به این نتیجه می‌رسند که روش تجربی، شیوه‌ای اساسی و قابل اعتماد برای مطالعه و تبیین رفتار انسان است و می‌توان به مدد تجربه و ایجاد شرایط آزمایشگاهی، زوایای رفتار پیچیده آدمی را مورد کند و کاو قرار داد. در اینجا بررسی محتوای کتابهای دبیرستانی آمریکا را به پایان می‌بریم، و چگونگی طرح سه مسأله مورد نظر یعنی: پیدایش انسان، ماهیت انسان و نیز روش شناخت رفتار آدمی را در کتابهای درسی دوره دبیرستان جمهوری اسلامی ایران مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۶. خلقت انسان در کتابهای درسی ایران

مبحث خلقت انسان متناسب با توانایی و سطح درک دانش‌آموزان در دوره ابتدایی، راهنمایی و نیز متوسطه به دفعات مطرح شده است، لیکن ما در اینجا مطالبی را از یکی از کتابهای دبیرستانی نقل می‌کنیم: تا با دیدگاه مؤلفان کتابهای درسی ایران در این خصوص آشنا شویم. در این کتاب چنین آمده است: «جهان طبیعت در گردش مداوم و تغییر و تحول آرامش‌ناپذیر خود بی‌تابانه در انتظار تولد موجودی شگرف بر دامن خود بوده است دست توانای الهی از سراپرده غیب به در آمده و بر پهن‌دشت طبیعت در جوف کلی بی‌مقدار روحی پر عظمت دمید و با تعلیم اسماء او را به مقامی فراتر از فرشتگان ملکوت رسانید و خلعت خلیفه الهی را بر قامت او پوشانید و ملائک را امر بر سجده او نمود. این موجود همان انسان است که در مهد طبیعت چشم گشوده است» [۵].

با توجه به مفاد و محتوای کتابهای درسی نظام آموزش و پرورش ایران، می‌توان نتیجه گرفت که

9. variable

10. stimulus

11. response



مؤلفان و برنامه‌ریزان درسی می‌کوشند تا به دانش‌آموزان ایرانی بیاموزند که پیدایش انسان محصول تصادف و اتفاقات ناگهانی نیست بلکه خداوند قادر او را آفریده و جانشین خود بر روی زمین قرار داده است.

۷. ابعاد وجود انسان براساس کتابهای درسی ایران

پیش از این گفتیم که کتابهای درسی جمهوری اسلامی ایران، با الهام از مکتب اسلام بر آنند که دانش‌آموزان را به سمت و سوی یک جهان‌بینی الهی سوق دهند و به آنان بیاموزند که همه امور، پدیده‌ها و واقعیتهای را براساس این جهان‌بینی تبیین و توجیه کنند. بحث حیات انسان نیز از جمله واقعیتهای است که در کتابهای درسی ایران، براساس جهان‌بینی الهی تفسیر و تعبیر می‌شود. در این جهان‌بینی، انسان به عنوان موجودی متشکل از جسم و روح مطرح است که جنبه‌های مادی و جسمانی او در کتابهای زیست‌شناسی، و جنبه‌های روحی و معنوی او عمدتاً در کتابهای بینش اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عنوان مثال: در کتاب بینش اسلامی سال سوم دبیرستان فصلی، تحت عنوان روح یا بعد غیر مادی آورده شده است که تبیین‌کننده حیات آدمی براساس جهان‌بینی اسلامی است. این مبحث به طور صریح حیات انسان را به نیرویی مجرد به نام روح نسبت می‌دهد و برای اثبات غیر مادی بودن روح، که حیات آدمی به آن وابسته است، چنین استدلال می‌کند:

«دانشمندان اسلامی برای غیر مادی (مجرد) بودن روح، دلایل زیادی ذکر کرده‌اند که چون درک و فهم برخی از آنها نیازمند مقدمات فلسفی است، در اینجا از بیان آنها خودداری می‌نماییم و تنها به ذکر چند دلیل بسنده می‌کنیم...»

الف) خواب و رؤیا

هر کدام از ما هنگام خواب، رؤیاهایی را مشاهده می‌کنیم. این رؤیاها انواع مختلف دارند: خوابهایی که از افکار روزانه ما سرچشمه می‌گیرند... خوابهایی که صحنه‌های آشفته و بی‌اساسند... خوابهایی که خبر از حوادث در زمان آینده می‌دهند یا مکانهایی در عالم خواب دیده می‌شود که قبلاً اطلاعی از آنها نداشته‌ایم... این قبیل خوابها معروف به رؤیاهای صادقانه‌اند... چون در عالم بیداری توجه روح بیشتر به تدبیر بدن معطوف است و غالباً از سیر در عالم معنا ناتوان است، اما در عالم خواب، گویی پرده بدن تا حدی از روح برداشته می‌شود و روح آزادی عمل بیشتری به دست می‌آورد» [۳].

در کتابهای درسی ایران همچنین این نکته را متذکر می‌شوند که امور محسوس را می‌توان به کمک تجربه و آزمایش مورد مطالعه قرار داد، ولی امور غیر محسوس را، چون از طریق آزمایش و تجربه قابل مطالعه نیستند، نمی‌توان نفی کرد. در کتاب زیست‌شناسی سال چهارم دبیرستان، در توجیه مطلب فوق چنین استدلال شده است:

«روح انسانی به دلیل غیر مادی بودن، هرگز از راه حس و تجربه شناخته نخواهد شد و انتظار

کشف و شناخت روح از طرف دانشمندان علوم تجربی، انتظاری عبث و بیهوده است. لذا نه تنها زیست‌شناسی، بلکه حتی اگر کلیه رشته‌های علوم تجربی دست به دست هم دهند، باز از نفی و اثبات آن عاجزند؛ زیرا ابزار لازم برای نفی و اثبات آن را در اختیار ندارند. آنچه مسلم است این است که هرگز نمی‌توان «نیافتن» را با نبودن یکی دانست. اگر زیست‌شناسان در مطالعات تجربی و آزمایشگاهی خود، به واقعیت غیر مادی به نام «روح» بر نمی‌خورند - و هرگز بر نخواهند خورد - این امر دلیل نبودن روح نیست، بلکه در درجه اول، ناشی از این حقیقت است که آنان ابزاری برای خود برگزیده‌اند که جز واقعیت‌های مادی را نمی‌توان شناخت» [۱].

در کتابهای بینش دینی دوره دبیرستان به بعد دیگری از ابعاد وجودی انسان اشاره شده است که از آن به فطرت یاد می‌کنند. در کتاب بینش دینی سال چهارم دبیرستان در این باره چنین آمده است: «... از آنچه گفتیم معلوم شد که انسان دارای دو دسته گرایش است. یک دسته گرایش‌های غریزی یا حیوانی که بین انسان و حیوان مشترک است و دسته دیگر گرایش‌های عالی که مخصوص انسان است، با توجه به این که فصل ممیز انسان و حیوان همین گرایش‌های عالی است، غالباً از این دسته تمایلات تعبیر به فطرت می‌شود» [۲].

از آنچه که درباره ابعاد وجودی انسان مطرح شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که انسان از دید مؤلفان ایرانی موجودی است مرکب از جسم (ماده) و روح. ماده را می‌توان از راه حواس یعنی به کمک تجربه و آزمایش مورد مطالعه قرار داد. ولی چون روح از امور غیر محسوس است و نمی‌توان آن را به روش آزمایشگاهی مورد مطالعه قرار داد، از این رو باید برای پی بردن به وجود آن، از روش‌های دیگری مانند روش‌های استدلال عقلی سود جست.

فطرت نیز بعد دیگری از ابعاد وجود انسان است که به مجموعه تمایلات بالفعلی اطلاق می‌شود که بتدریج با رشد کودک توسعه پیدا می‌کند و انسان را به سوی فعلیت خاصی سوق می‌دهد. اعتقاد به فطرت یکی از ارکان انسان‌شناسی اسلامی را تشکیل می‌دهد.

۸. روش مطالعه رفتار آدمی براساس کتابهای درسی ایران

دانش‌آموزان برخی از رشته‌های دوره متوسطه عمومی، از طریق مطالبی که در کتاب روانشناسی دبیرستان آمده است، با روش‌های مطالعه تجلیات روان (یعنی رفتار) آشنا می‌شوند و در این خصوص آگاهی‌هایی کسب می‌کنند و بدینسان دامنه دانش انسان‌شناسی آنها گسترش پیدا می‌کند. در کتاب روانشناسی دوره متوسطه ایران - همانند کتاب روانشناسی دبیرستانهای آمریکا - از روش‌های مطالعه رفتار مانند: مشاهده، مصاحبه و روش آزمایشی به عنوان روش‌های تحقیق در رفتار نام می‌برند. با این تفاوت که چون انسانی که در روانشناسی دبیرستان ایران مطرح است، موجودی صرفاً بیولوژیکی و مادی تلقی نمی‌شود، لذا روش آزمایشی محض برای مطالعه رفتار پیچیده او کافی تلقی نمی‌شود. به همین دلیل در کتاب مذکور ضمن معرفی روش آزمایشی به نارسایی‌های این روش نیز اشاره می‌شود تا



دانش آموزان بیاموزند که انسان، پیچیده‌تر از آن است که بتوان همه ابعاد و زوایای روان و رفتار او را به کمک آزمایش و تجربه شناخت. در کتاب روانشناسی سال سوم دبیرستان، به برخی از موانع و محدودیت‌های روش آزمایشی اشاره شده است که خلاصه‌ای از این محدودیتها به شرح زیر نقل می‌شود:

«فعالیت‌های روانی درونی، از جمله عواملی هستند که به هنگام آزمایش، روی رفتار آزمایش‌شونده اثر می‌گذارند و از اعتبار آزمایش می‌کاهند. زیرا کنترل آنها برای آزماینده به سادگی مقدور نیست. مثلاً هنگامی که از عده‌ای کودک در یک آزمایش خواسته می‌شود تا به فهرستی از لغات یا یک داستان گوش فرادهند و سپس آنچه را که فرا گرفته‌اند بازگو نمایند، عواملی چند در این میان دخالت می‌کنند، ممکن است در وقت گوش دادن، ذهنشان به فعالیت‌های دیگری مانند تخیل مشغول می‌شود، یا با توجه آنها به موضوع و مطلب دیگری جلب گردد و یا نسبت به داستان یا مطالب فراگرفتنی، بی‌علاقه شوند... ممکن است آزمایش‌شونده به محرک‌های مورد نظر آزمایش‌کننده، پاسخ ندهد یا پاسخیهای گمراه‌کننده باشد... اجرای آزمایش‌هایی که موجودیت و شخصیت انسان را تهدید و تحقیر کنند و یا به او صدمه بزنند، از لحاظ اخلاقی جایز نیستند. مثلاً روانشناسی که می‌خواهد در مورد «اکتسابی بودن ترس» تحقیق کند، از لحاظ اخلاقی مجاز نیست که برای پیدا کردن جواب این سؤال، کودکان را به نحوی دچار ترس و دلهره نماید» [۴].

اگرچه در کتاب روانشناسی فوق‌الذکر، روش تجربی به عنوان شیوه‌ای برای مطالعه رفتار انسان معرفی شده است، با این حال به محدودیتها و نارساییهای این روش نیز اشاره گردیده و چنین نتیجه‌گیری شده است که نمی‌توان تنها بر این روش، برای شناخت رفتار پیچیده انسان تکیه نمود.

۹. تأثیر محتوای برنامه‌های درسی بر جهان‌بینی دانش‌آموزان

در بحث‌های پیشین، انسان را در کتابهای درسی ایالات متحده آمریکا و نیز در کتابهای درسی جمهوری اسلامی ایران مورد مقایسه قرار دادیم. در خلال این بحثها دریافتیم انسانی که در کتابهای درسی آمریکا معرفی شده، انسانی است محصول تکامل تدریجی جانداران، که در اثر تصادف و بدون دخالت اراده خداوند، پای به عرصه هستی گذاشته است. مخلوقی است صرفاً زیستی، که فرایند زنده بودن و فعالیت‌های حیاتی او، براساس فعل و انفعالات شیمیایی قابل تبیین و توجیه می‌باشد. بعلاوه می‌توان رفتار او را به مدد روشهای تجربی مورد مطالعه قرار داد و به قوانین حاکم بر رفتار وی دست یافت. در مقابل، براساس آنچه که در کتابهای درسی جمهوری اسلامی ایران آمده است، آدمی نه بر اثر تصادف، بلکه بنا بر مشیت پروردگار خلق شده و در خلقت، برتر از سایر مخلوقات می‌باشد. جسم و روح دو بعد از ابعاد وجودی او را تشکیل می‌دهند و حقیقت وجودیش به لحاظ داشتن روح (نفخه الهی) فراتر از ماده است. به همین دلیل روشهای تحقیق متداول در علوم تجربی، برای شناخت ماهیت رفتار او به تنهایی کافی نیست و نمی‌توان آدمیان را مانند جانوران، تحت شرایط آزمایشگاهی مورد مطالعه

قرار داد و به کنه رفتار آنها پی برد.

حال با توجه به مطالب بالا، این سؤال مطرح است که آیا آنچه در کتابهای درسی و در خصوص مباحث گوناگون در مدرسه به دانش آموزان عرضه می‌شود، می‌تواند در شکل‌گیری رفتار و کرایشهای آنان نقش داشته باشد؟ به عبارت دیگر، آیا محتوای برنامه‌های درسی بر نحوه عمل و اندیشه و در مجموع بر جهان‌بینی دانش آموزان به طور قابل ملاحظه‌ای اثر می‌گذارد؟ در پاسخ باید گفت تحقیقات حاکی از آن است که برنامه‌های درسی می‌توانند به مقیاسی وسیع، بر نگرشها و رفتار دانش آموزان اثر داشته باشند و اندیشه آنها را در جهت‌های خاصی شکل بدهند. اینک به عنوان نمونه، به نتایج یکی از تحقیقاتی که در ایالات متحده امریکا درباره تأثیر برنامه‌های درسی بر روی نگرشها و رفتار شاگردان صورت گرفته است، اشاره می‌کنیم.

در سال ۱۹۷۷ میلادی به منظور بررسی اثر برنامه‌های درسی مربوط به تندرستی، بر سطح آگاهی، نگرش و رفتار دانش آموزان تحقیقی تداومی^{۱۲} آغاز شد. هدف این تحقیق آن بود که نگرش و رفتار دانش آموزان را پس از گذراندن یک برنامه درسی خاص، نسبت به استعمال دخانیات، مصرف مواد مخدر و نیز عمل به دستورهای بهداشتی مورد مطالعه قرار دهند. در این تحقیق، گروهی از کودکان به هنگام ثبت نام در کودکانستان انتخاب شدند و پیشاپیش از سطح آگاهی و نگرش آنان نسبت به مسائل تندرستی نظرخواهی و آزمون به عمل آمد. آنگاه آنها را تا پایان دوره متوسطه دنبال نمودند. این کودکان را از آغاز به سه دسته تقسیم کردند: گروهی از آنها را از سال اول کودکانستان تا سال ششم ابتدایی با یک برنامه درسی خاص به نام «رشد سالم»^{۱۳} آموزش دادند و در پایان سال سوم و سال ششم ابتدایی از آنها آزمونهای به عمل آوردند. گروهی دیگر را از سال اول تا سال سوم ابتدایی با استفاده از برنامه‌های متداول آموزش بهداشت مندرج در کتابهای درسی آموزش دادند، سپس از کلاسهای چهارم تا ششم آنها را در معرض برنامه درسی «رشد سالم» قرار دادند. به گروه سوم نیز از کودکانستان تا پایان دوره ابتدایی همان برنامه‌های متداول آموزش بهداشت مندرج در کتب درسی را تعلیم دادند. آزمونهایی که در پایان دوره دبیرستان از سه گروه مذکور به عمل آمد، حاکی از آن بود که برنامه‌های درسی رشد سالم، تأثیر مثبتی بر سطح آگاهی و نگرش آنها نسبت به پرهیز از مصرف مواد مخدر برجای گذاشته است. این تحقیق همچنین نشان می‌داد هنگامی که پس از دوره دبیرستان از شاگردان درباره مصرف مواد مخدر و استعمال دخانیات نظرخواهی شد، آنان تأثیر مثبت برنامه‌های درسی را متذکر شدند [۶].

اگر چه تحقیق فوق به طور مستقیم به بررسی تأثیر مطالب مربوط به انسان‌شناسی در جهان‌بینی شاگردان که در اینجا مطمح نظر است، مربوط نمی‌شود، با این حال می‌توان به نتایج تحقیق مذکور استناد کرد و به یک قاعده کلی و عام در خصوص تأثیر برنامه‌های درسی بر رفتار دانش آموزان دست یافت. یعنی می‌توان چنین حکم کرد که برنامه‌های درسی بر اندیشه و عمل شاگردان در بزرگسالی



اثری انکارناپذیر می‌گذارند. به همین قیاس، می‌توان حکم کرد که چون برنامه‌های درسی دبیرستانهای آمریکا و جمهوری اسلامی ایران دو چهره متفاوت از انسان برای مخاطبانشان ترسیم می‌کنند، این دو گروه شاگرد، در بزرگسالی دو برداشت و دو جهان‌بینی متفاوت نسبت به انسان خواهند داشت.

۱۰. جمع‌بندی

با توجه به مطالبی که تاکنون مطرح شد، شاید بتوان چنین نتیجه‌گیری کرد که آن دسته از دانش‌آموزان آمریکایی وقتی در معرض محتوای کتابهایی از نوع کتابهایی که ذکر کردیم، قرار می‌گیرند، بر مبنای آنچه که از این کتابها دریافت می‌کنند، احتمالاً می‌آموزند، که انسان موجودی است تک‌بعدی و احتمالاً می‌پندارند آدمی فراتر از بعد مادی، ساحت دیگری ندارد. در نتیجه تصویری که از انسان در ذهن آنها نقش می‌بندد، تصویری کامل از ابعاد مختلف انسان نیست. به همین قیاس، چون از نظر آنها انسان موجودی است مادی، شأن و منزلت آدمی را در نظام آفرینش آنطور که بایسته است، درک نمی‌کنند. نتیجه دیگری که از این بحث می‌توان گرفت این است که ارائه چنین تصویری از انسان در کتابهای درسی آمریکا، احتمالاً از تفکر سکولاریستی حاکم بر نظام آموزش و پرورش این کشور نشأ می‌گیرد. اما دانش‌آموزان ایرانی بر مبنای مطالب و محتوای دروس مختلف، با ابعاد گوناگون وجود انسان آشنا می‌شوند. در نتیجه بر خلاف دانش‌آموزان آمریکایی به انسان به عنوان موجودی تک‌بعدی نمی‌نگرند. بلکه او را به عنوان موجودی که جسم، روح، فطرت و نفس دارد، می‌شناسد و به این اعتبار که روح به عنوان نفخه‌ای الهی در کالبد آدمی دمیده شده، برای انسان شأن و منزلتی ارجمند قائلند.

نتیجه دیگری که به طور غیرمستقیم می‌توان از این بحث گرفت و آن را به صورت پیشنهادی قابل بررسی به برنامه‌ریزان و مولفان کتابهای درسی دوره دبیرستان ارائه داد، این است که چون آشنایی همه دانش‌آموزان دبیرستانی کشور با ابعاد وجودی انسان به صورتی نسبتاً جامع، ضروری به نظر می‌رسد، برنامه‌ریزان درسی نظام آموزش و پرورش ما باید این مسأله را مورد توجه قرار دهند که براساس چه رویکردی بهتر می‌توان به دانش‌آموزان کمک کرد تا نظرگاهی درست و مبتنی بر جهان‌بینی اسلام نسبت به انسان کسب کنند؟ یعنی می‌توان این مسأله را در قالب دو سؤال زیر در پیش روی برنامه‌ریزان درسی قرار داد:

سؤال نخست آنکه آیا می‌توان بحثهای مربوط به شناخت همه ابعاد مختلف وجود انسان و نیز روشهای مخصوص مطالعه هر یک از این ابعاد را در قالب درسی میان رشته‌ای به دانش‌آموزان تدریس کرد؟ یعنی مرزهای این دانش را فراتر از قلمرو امروز روانشناسی عمومی گسترش داد؟ به سخن دیگر، علاوه بر مباحثی که امروز در روانشناسی دوره دبیرستان تدریس می‌شود، آیا می‌توان حقایقی درباره ابعاد مختلف وجود انسان مانند بعد روح، نفس، فطرت و... آنطور که در خور فهم دانش‌آموزان باشد، در چهارچوب همین درس به شاگردان آموخت؟ سؤال دوم آنکه آیا باید بحث درباره ابعاد گوناگون وجود انسان را آنگونه که اکنون متداول است، به دروس مختلفی چون

روانشناسی، بینش اسلامی، زیست‌شناسی و... محول کرد؟ و اجازه داد هر یک از شعب علوم انسانی، تجربی و دینی، متناسب با قلمرو خود بعدی از ابعاد وجود انسان را مطالعه کنند؟ اگر چنین رویکردی را دنبال کردیم، آیا دانش‌آموزان می‌توانند با تلفیق و ترکیب آنچه در قالب دروس مختلف و به صورت پراکنده در خصوص انسان آموخته‌اند، به نظرگاهی نسبتاً جامع درباره انسان نائل آیند؟

منابع

- [۱] ابراهیم‌زاده، حسن و دیگران، زیست‌شناسی سال چهارم آموزش متوسطه عمومی علوم تجربی، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۹، ص ۲.
- [۲] سادات، محمدعلی و حمید طالب‌زاده، بینش اسلامی سال سوم دبیرستان، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۶، ص ۱۱.
- [۳] سادات، محمدعلی و دیگران، بینش اسلامی سال اول دبیرستان، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۱، ص ۶۲.
- [۴] محسن‌پور، بهرام و دیگران، روانشناسی سال سوم آموزش متوسطه عمومی، اقتصادی اجتماعی، فرهنگ و ادب، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۸، ص ۱۰-۱۲.
- [۵] وزارت آموزش و پرورش، بینش اسلامی (انسان‌شناسی) سال چهارم دبیرستان، ۱۳۷۶، ص ۷۶.
- [6] Androew, Richard L., "The Effects of School Health Curricula on Knowledge Attitudes and the onest of Substance Abuse From Kindergarten to Grade 12", *Journal of School Health*, 1984, p. 18-20.
- [7] Engle, T.L. and Loid Snellgrove, *Psychology its Principles and Applications*, 6th ed., New York, Harcourt Brance Jovanovich Inc., 1997, pp. 19 - 20.
- [8] Hickman, Faith M., Marnert Kennedy, Auncice A. Combs et al, *Biological Science: An Inquiry into Life*, 4th ed. New York, Harcourt Brace Jovanovich Inc., 1992, p. 36.
- [9] Ibid., 42, 2nd ed., New York, Harcourt Brance Jovanovich Inc., 1987, pp. 19-20.
- [10] Mader, Sylvia et al., *Boilogy of Evolution and Diversity*, 4th ed., Wmc. Brown Publisher, 1993, p. 298.
- [11] Ibid., p. 40-42.
- [12] Napoleon, A., Bryant Jr., Marjorie Slavick Frank et al, *Science Any Time*, Harcourt Brace Company, 1995, pp. 66-68.



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی